



درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۸ مهر ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۵ - فرع اول: نظر به عورت ممیز

مصادف با: ۳ ربیع الاول ۱۴۴۳

سال چهارم

جلسه: ۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد در مسأله ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ فروعی قابل تصور و قابل طرح است که امام(ره) به دو فرع و مرحوم سید به سه فرع از اینها اشاره کرده‌اند؛ ولی اجمالاً چهار یا پنج فرع در این سه مسأله قابل پیگیری است. مسأله ۲۴ که مربوط به صبی غیرممیز بود؛ با اینکه در مورد صبی غیرممیز هم این چهار یا پنج فرع قابل تصور است، هرچند بعضی از این فروع احکامش کاملاً روشن است و نیازی به بحث و بررسی ندارد.

در آخرین جلسه‌ای که قبل از تعطیلات داشتیم، اشاره کردیم که چهار فرع و مسأله در اینجا قابل ذکر است؛ چه بسا بتوانیم این را پنج تا کنیم. یکی نظر رجل و مرأه به بدن صبی ممیز؛ دوم، نظر صبی ممیز به بدن رجل و مرأه؛ سوم، ستر المرأة فی مقابل الممیز؛ چهارم، النظر الی عورة الممیز؛ پنجم، نظر الممیز الی عورة الغير. این هم در مورد صبی و هم در مورد صبییه قابل رسیدگی است. از این پنج فرع، امام(ره) در مسأله ۲۵ و ۲۶ به دو فرع اشاره کرده‌اند.

مسئله ۲۵

مسأله ۲۵: «يجوز للرجل أن ينظر إلى الصبية ما لم تبلغ إذا لم يكن فيه تلذذ و شهوة»، برای مرد جایز است که نظر به دختر بچه غیربالغ کند؛ البته ما لم تبلغ قهراً شامل مراهق هم می‌شود، یعنی کسی که نزدیک به بلوغ است. البته به شرط اینکه این نظر همراه با تلذذ و شهوت نباشد. «نعم الأحوط الأولى الاقتصار على مواضع لم تجر العادة على سترها بالألبسة المتعارفة مثل الوجه و الكفين و شعر الرأس و الذراعين و القدمين لا مثل الفخذين و الأليين و الظهر و الصدر و الثديين»، می‌فرماید بله، احوط اولی آن است که در نگاه کردن اکتفا کند به مواضعی که عادتاً پوشانده نمی‌شود با لباس‌های متعارف. بالاخره لباس‌هایی که انسان به تن می‌کند یا بچه‌ها به تن می‌کنند، به طور متعارف این لباس‌ها یک جاهایی را می‌پوشاند و یک جاهایی را نمی‌پوشاند. آن جاهایی که عادتاً پوشانده نمی‌شود با لباس‌های متعارف، مثلاً صورت، دست‌ها، موی سر، ذراعین و قدمین هستند؛ اما مثل ران‌ها و پشت و سینه و پستان‌ها و باسن‌ها، اینها معمولاً با لباس‌های متعارف پوشانده می‌شود. لذا امام می‌فرماید اینکه گفته می‌شود نظر جایز است، احوط اولی آن است که در جواز نظر به این مواضع اکتفا کند و به آن مواضعی که عادتاً با لباس‌های متعارف پوشانده می‌شوند، نگاه نکند. «و لا ينبغي ترك الاحتياط فيها و الأحوط عدم تقبيلها و عدم وضعها فی حجره إذا بلغت ست سنين»، احوط آن است که اگر دختر بچه به شش سالگی رسید، او را نبوسد و او را در دامن خودش (روی پای خودش) قرار ندهد.

از آن فروع پنج‌گانه آنچه که امام در اینجا مطرح کرده، نظر مرد به دختر بچه ممیز است. در مسأله ۲۶ نظر زن به پسر بچه ممیز

است. در مسأله ۲۵ فقط به موضوع نظر مرد به دختر بچه ممیز پرداخته‌اند. در مسأله ۲۶ هم نظر زن به پسر بچه ممیز و هم مسأله ستر زن از پسر بچه ممیز را ذکر کرده‌اند.

اینجا در واقع چندین موضوع قابل بررسی است. یکی آن است که شما وقتی بحث از نظر مرد به دختر بچه به میان می‌آورید، از این طرف هم نظر دختر بچه ممیز به مرد چگونه است؟ سؤال دوم اینکه پوشش مرد در مقابل این دختر بچه چطور باشد؟ سؤال سوم، آیا به عورت این دختر بچه ممیز می‌تواند نگاه کند یا نه؟ سؤال چهارم، آیا آن دختر بچه که ممیز است می‌تواند به عورت الغیر نظر کند یا نه، اعم از مرد یا زن. اینها فروعی است که در این مقام قابل طرح است که عرض کردیم مرحوم سید به بعضی از اینها اشاره کرده است. مثلاً مسأله نظر به عورت ممیز یا نظر ممیز به عورت الغیر را طرح نکرده است؛ ولی مسأله نظر آنها به بدن غیر خودشان، مسأله ستر، اینها را مطرح کرده است. ما برای اینکه بحث کامل تر شود، متعرض این امور می‌شویم.

مسأله این است که «يجوز للرجل أن ينظر الى الصبية ما لم تبلغ إذا لم يكن فيه تلذذ و شهوة»، حالا صرف نظر از آن احوط اولی که فرموده و بعد فرمود که «و لا ينبغي ترك الاحتياط فيها»، طبیعتاً وقتی نگاه به ران و سینه و صدر مشمول لاینبغی ترک الاحتیاط باشد، عورت به طریق اولی مشمول این حکم خواهد بود. حالا می‌خواهیم ببینیم اساساً آیا ممنوعیت هم دارد یا نه؛ از نظر استدلالی اینجا در رابطه نظر به عورت دختر بچه ممیز، چه می‌توانیم بگوییم و حکم و دلیل آن چیست. آن وقت در غیر عورت چیزی است که امام فرموده‌اند. لذا یکی از فروعی که امام در اینجا نگفته‌اند، نظر به عورت دختر بچه ممیز است. البته این بحث کلی است؛ فرق نمی‌کند بین نگاه مرد به عورت دختر بچه ممیز یا نگاه زن به عورت پسر بچه ممیز؛ هر دو با هم در قالب یک مسأله بررسی می‌شوند و ادله اینها تفاوت ندارد.

فرع اول: نظر به عورت ممیز

دلیل حرمت نظر

در مورد نظر به عورت دختر بچه یا پسر بچه، ظاهر ادله اعم از آیات و روایات، این است که به طور کلی پوشاندن عورت واجب است. یعنی همه باید خودشان را بپوشانند؛ آن ادله‌ای که دلالت بر منع نظر به عورت مؤمن دارد، این ادله ظاهرش این است که اطلاق دارد و فرقی بین ممیز و غیر ممیز نیست، یعنی بین بالغ و غیر بالغ. ما به طور کلی هم در برخی از آیات و هم روایات، به عنوان یک وظیفه و تکلیف داریم که انسان‌ها باید عورتشان را بپوشانند؛ ستر العورة یک امر است ... اگر همین جا دقت بفرمایید، یک تکلیفی این زن یا مرد دارند که آیا عورت خودشان را باید از صبی ممیز و دختر بچه ممیز بپوشانند یا نه؛ این مسلم یک تکلیفی به عهده آنهاست و لازم است که عورت خودشان را بپوشانند. همان اطلاقات در اینجا وجود دارد؛ اینکه اینها می‌توانند به عورت آنها نگاه کنند، این هم ادله ظهور در منع دارد و اطلاق ادله شامل آنها هم می‌شود. آن ادله‌ای که نظر به عورت را به نحو مطلق حرام کرده و به اعتبار آنها گفته می‌شود که نه زن و نه مرد نمی‌توانند به عورت دختر بچه ممیز و پسر بچه ممیز نگاه کنند، یک سری روایات است که بعضی از اینها سنداً و دلالتاً خوب هستند و بعضی‌ها ممکن است از نظر سند مخدوش باشند. از جمله این روایت که در کافی ذکر شده است: «عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي وَ جَدِّي وَ عَمِّي حَمَامًا بِالْمَدِينَةِ فَإِذَا رَجُلٌ فِي بَيْتِ الْمَسْلُوحِ فَقَالَ لَنَا مِمَّنِ الْقَوْمِ قُتِلْنَا مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ ...». گفتگویی صورت می‌گیرد که آن مرد که در حمام بوده، می‌گوید شما از چه قومی هستید؟ تا می‌رسد به اینجا که «مَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْأُزْرِ»، چه شده که شما از پوشیدن لنگ و اینکه عورت خودتان را بپوشانید اجتناب کرده‌اید؟ «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ

حَرَامٌ»، رسول خدا(ص) فرمود: عورت مؤمن بر مؤمن حرام است. در پایان می‌گوید: «سَأَلْنَا عَنِ الرَّجُلِ»، ما از دیگران سؤال کردیم که این مرد کیست که از قول رسول خدا(ص) این مطلب را گفته است؟ «فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع)»، او امام سجاد(ع) بود که این جمله را فرمود. اینجا ادعا شده که اطلاق «عورة المؤمن علی المؤمن حرام» شامل صبی و صبیبه ممیز هم می‌شود. چطور؟ کلمه مؤمن اطلاق دارد؛ مؤمن به کسی می‌گویند که خداوند متعال را درک کند و به او ایمان بیاورد، و این شامل غیربالغ هم می‌شود. کلمه مؤمن اینطور نیست که فقط مختص به بالغ و مکلف باشد؛ این غیربالغین و غیرمکلفین را دربرمی‌گیرد. اگر گفتیم کلمه مؤمن اطلاق دارد و شامل غیربالغین هم می‌شود، پس وقتی گفته می‌شود «عورة المؤمن علی المؤمن حرام»، این یعنی عورت هر کسی که عنوان مؤمن بر او صدق کند و این اعم از آن است که بالغ باشد یا بالغ نباشد. پس فرق نمی‌کند که این ممیز باشد یا بالغ، یا غیربالغ، هر دو را شامل می‌شود. لذا می‌توانیم بگوییم که نظر به عورت صبی ممیز و دختر بچه ممیز به خاطر این روایت و امثال آن محل اشکال است.

بررسی دلیل حرمت نظر

البته یک مسأله‌ای در این روایت است و آن اینکه در ادامه، کلمه «علی المؤمن» هم آمده است، یعنی «عورة المؤمن علی المؤمن». اگر کلمه مؤمن اول اطلاق داشته باشد و شامل غیربالغین هم بشود، پس قاعدتاً مؤمن دوم هم باید همین طور باشد. علی المؤمن با این بیانی که گفته شد، یعنی بر بالغ و غیربالغ حرام است. نتیجه این است که پس آنها هم نمی‌توانند مثل مکلفین به عورة الغیر نظر کنند. بالاخره اگر کلمه مؤمن اطلاق دارد، یا هر دو اینها اطلاق دارد که نتیجه اطلاق مؤمن هم در کلمه اول و هم در کلمه دوم، این می‌شود که نه می‌توان به عورت بچه غیربالغ نگاه کرد و نه او مجاز است به عورت دیگری نگاه کند؛ در حالی که این روشن است که تکالیف، حرمت یا وجوب، اینها اموری هستند که فقط متوجه مکلفین اند؛ تکلیف حرمت نمی‌تواند متوجه غیرمکلفین شود. بنابراین از آنجا که مؤمن دوم فقط شامل مکلفین می‌شود و ما می‌دانیم که بچه - چه دختر و چه پسر - اگر به بلوغ نرسیده باشد تکلیف ندارد. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم بر او حرام است نگاه به عورة الغیر. هر تکلیفی این چنین است؛ تکلیف ندارد که بگوییم حرام است. اصلاً حرمت و وجوب و الزام و امثال اینها برای کسانی است که به بلوغ رسیده باشند؛ کسی که بالغ نشده هیچ تکلیفی متوجه او نیست. پس او حرمت نظر به عورة الغیر ندارد. لذا این ممکن است به اطلاقی که در مورد مؤمن اول وجود دارد، ضربه بزند و آسیب برساند. چون اساس استدلال بر عدم جواز نظر به عورت صبی ممیز و صبیبه ممیز، این اطلاقات است، یعنی «عورة المؤمن علی المؤمن حرام». اگر این اطلاق مخدوش شود، دلیل ما چیست؟ ظاهر این است که دلیل دیگری نداریم. این اشکالی است که اینجا نسبت به این اطلاق وجود دارد.

سایر روایات و بررسی آنها

البته روایات دیگری در اینجا وجود دارد. این روایات عمدتاً راجع به نظر به عورت است یا به خصوص در مورد مماثل این حرف را زده است؛ مثل روایتی که دلالت می‌کند بر ممنوعیت نظر رجل به عورت برادرش: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ أَخِيهِ».^۲ ممکن است بگوییم اگر نظر به عورت مماثل جایز نباشد، نظر به عورت غیرمماثل به طریق اولی جایز نیست. بعضاً دلالت روایات خوب است ولی سند آنها اشکال دارد؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَأَ

۱. وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ص ۳۹، باب ۹ از ابواب آداب الحمام.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۹۹.

يَدْخُلِ الرَّجُلُ مَعَ ابْنِهِ الْحَمَّامِ فَيَنْظُرُ إِلَى عَوْرَتِهِ وَقَالَ لَيْسَ لِلْوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ الْوَالِدِ وَلَا يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الْوَالِدِ وَقَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) النَّاطِرَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ فِي الْحَمَّامِ بَلَا مِثْرٍ»^۳ نظر الی عورة الولد در حقیقت اعم از این است که این ولد بالغ باشد یا غیربالغ؛ این از این جهت شامل ممیز هم می‌شود. یا مثلاً این روایت که مرفوعه است: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) لَا يَدْخُلِ الرَّجُلُ مَعَ ابْنِهِ الْحَمَّامِ فَيَنْظُرُ إِلَى عَوْرَتِهِ»، این روایت هم منع می‌کند ولی نظر به عورت مماثل دارد؛ مگر اینکه از راه اولویت، نظر به عورت غیرمماثل را در اینجا ثابت کنیم. روایات در اینجا متعدد است و فکر می‌کنم همین مقدار کافی است. اصل نظر به عورة الممیز براساس استدلال به این روایات کأن مورد پذیرش قرار گرفته و عمدتاً هم به اطلاق روایت اول که «عورة المؤمن على المؤمن حرام» که آن هم اطلاقش مقداری محل اشکال است. در این روایاتی که ما در اینجا ذکر کردیم، تعبیر به نظر الرجل الی عورة الغير، حالا این عورة الغير بعضاً آخیه آمده که این ظاهرش آن است که مثلاً بالغ است؛ تعبیر به آخیه در مورد بچه به کار نمی‌برند. اما در روایاتی که در مورد نظر به عورت فرزند، عورت این، اینکه والدین نظر نکنند به عورت ولدشان، صرف نظر از اشکالات سندی که بعضی از این روایات دارد، واقع این است که استفاده حرمت از آنها و اینکه به نحو مطلق حتی غیر بالغ را دربربگیرد، این هم خالی از اشکال نیست.

به علاوه این نهی‌هایی که در اینجا صورت گرفته، این نهی‌ها معلوم نیست که دلالت بر حرمت داشته باشد. بله، توصیه‌هایی است که مراقبت شود و این کار نشود. واقع این است که از نظر ادله، النظر الی عورة الممیز اعم از دختر یا پسر، دلیلی جز این اطلاقات و برخی روایات برای آن وجود ندارد و تلاش برای اینکه اینها را مشمول ادله منع به آن معنا کنیم، به نظر می‌رسد که چندان منتج نیست. مگر به همین بیاناتی که در برخی روایات وارد شده، بگوییم اولی و سزاوار این است که ترک شود؛ یا به خاطر اینکه نوعاً فتوا داده‌اند بگوییم احتیاط واجب این است که ترک شود. یا مثلاً استناد کنیم به مذاق شریعت، که این هم خیلی روشن نیست؛ از سیره متشرعه هم (صرف نظر از آن احتیاطات خاصی که بعض اهل تقوا دارند) الزام استفاده نمی‌شود. بله، نسبت به مراهق و کسی که نزدیک به بلوغ است، شاید بتوانیم این حرف را از باب مقدمه علمیه و احتیاط این حرف را بزینم، ولی غیر از آن به نظر می‌رسد واقع این است که دلیل محکمی نسبت به این مسأله وجود ندارد؛ هر چند این را شاید بعضی‌ها به عنوان یک امر مفروغ عنه تمام دانسته‌اند و از آن عبور کرده‌اند.

پس در مورد نظر به عورة الممیز، یعنی نظر مرد به دختر بچه ممیز یا پسر بچه ممیز، و همچنین نظر زن به عورت دختر بچه ممیز یا پسر بچه ممیز، دلیل خالی از اشکال و محکمی نداریم؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به فتوایی که داده شده و نظر مشهور، فوقش این است که احتیاط واجب، عدم جواز نظر به عورت اینهاست.

سؤال:

استاد: آن جهت دیگری دارد، از باب اینکه احترام ندارد؛ بحث‌های مربوط به نظر به عورت برای آنها در کتاب الطهارة مطرح شده، به طور کلی ستر عورت و پوشاندن عورت طبق ادله لازم است. پوشاندن عورت لازم است؛ معلوم می‌شود که کشف عورت چیزی است که عند الشارع مبعوض شمرده شده است. اگر ما گفتیم ستر عورت از نظر شارع مطلوب است و مبعوضیت کشف آن را هم پذیرفتیم، نتیجه این دو آن است که پس نظر هم جایز است. چرا این همه توصیه شده که عورت پوشانده شود؟

۳. همان، ج ۲، ص ۵۶.

آن اقتضا می‌کند و لازم‌هاش هم این است که پس نظر هم جایز نباشد. فقط دقت داشته باشید که باید در اینجا ادله‌ای که دلالت بر لزوم ستر عورت می‌کند، به اطلاقه شامل عورت صبی ممیز هم بدانیم. پس آن اطلاقات - یعنی اطلاقات لزوم ستر عورت - ممکن است از این طریق این مطلب را تا حدودی اثبات کند؛ اطلاقات لزوم ستر عورت ... عورت باید پوشیده شود، مسأله مؤمن و اینها را هم ندارد؛ اگر این اطلاقات را قبول کردیم، آن وقت این شامل صبی ممیز می‌شود، شامل کافر هم می‌شود. ممکن است شما بگویید لزوم ستر العورة این خودش متوجه مکلفین است و شامل غیربالغین نمی‌شود که ما بخواهیم بگوییم این ستر العورة بر اینها هم واجب است. دقیقاً به همان دلیلی که تکلیف به عهده اینها نیست، این تکلیف هم به عهده آنها نیست. خود همین که لزوم ستر عورت آنها را هم شامل شود، خود این محل بحث و اشکال است. لذا مجموعاً به نظر می‌رسد که در مورد این فقره، یعنی النظر الی عورة الممیز، چه نظر مرد و چه نظر زن به پسر بچه یا دختر بچه ممیز، اینکه بخواهیم بگوییم این لایجوز و فتوا دهیم، به نظر می‌رسد که نمی‌شود فتوا داد اما با توجه به اینکه مشهور چنین عقیده‌ای دارند، می‌توانیم بگوییم احتیاط واجب ترک النظر الی عورة الممیز است.

«والحمد لله رب العالمین»